

# عدم تحمل Intolerans

تمایلات ضدیهودی، واهمه از همجنسگرائی، واهمه از اسلام و مهاجر ستیزی در میان جوانان  
Antisemitiska, homofobiska, islamofobiska och invandrarfientliga  
tendenser bland unga

## خلاصه مطالب Sammanfattning

زمینه

### BAKGRUND

عدم تحمل در برابر گروههای اقلیت- که می تواند بصورت تبعیض، اذیت و آزار، اهانت، تهدید و خشونت جسمی بروز کند- یک مشکل جدی اجتماعی است. برای یافتن امکانات مبارزه با عدم بردباری، داشتن دانش و آگاهی نسبت به ابعاد، ماهیت، گستره جغرافیائی آن و غیره - اهمیت اساسی دارد. بدون داشتن دانش و آگاهی این احتمال وجود دارد که اقداماتی که اتخاذ می شوند از هدف خود منحرف گردند. این بررسی که یک پروژه همکاری بین شورای پیشگیری از بزهکاری (BRÅ) و کانون "تاریخ پویا" است به مطالعه یهودی ستیزی، واهمه از اسلام، واهمه از همجنسگرائی و عدم بردباری بطور اعم در میان دانش آموزان از لحاظ برداشتها، در معرض اذیت و آزار بودن، بزهکاری و اشاعه تبلیغات افراطی می پردازد.

هدف و طرح سئوالات

### SYFTE OCH FRÅGESTÄLLNINGAR

هدف اصلی آنست که تصویری از برداشتهای جوانان در مورد مسائلی در رابطه با واهمه از اسلام، یهودی ستیزی، واهمه از همجنسگرائی و بیگانه ستیزی ارائه گردد. این تحقیق همچنین می خواهد در معرض اذیت و آزار بودن همانند مشارکت جوانان در انواع مختلف بزهکاری و رفتارهای ضداجتماعی در این رابطه را نیز روشن کند.

منظور از بزهکاری و رفتار ضداجتماعی طیف گسترده ای از رفتارهای اهانت آمیز اعم از خشونت علیه اشخاص، خسارت زدن تا اذیت و آزار و اعمال تبعیض آمیز است. این بررسی همچنین به تخمین وسعت اشاعه برخی تبلیغات افراطی ملی گرایانه و نژادپرستانه نیز می پردازد.

در این تحقیق موارد زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

- برداشت جوانان نسبت به گروههای مختلف اقلیت و مهاجران بطور اعم.
- بنظر خود جوانان میزان در معرض رفتارهای توهین آمیز بودن به علت تبار، تعلق دینی یا آنکه فردی به گمان دیگران دارای تمایلات همجنسگرایانه است، تا چه حد گسترده است.
- جوانان به چه میزان در انواع رفتارهای توهین آمیز به علت تبار، دین یا همجنسگرائی شرکت می کنند.
- آیا ارتباطی میان عدم تحمل و عوامل اجتماعی اقتصادی و همچنین زمینه اجتماعی وجود دارد یا خیر.

۱۰۶۰۰ نفر دانش آموز به پرسشنامه پاسخ داده اند

### 10 600 ELEV HAR BESVARAT ENKÄTEN

مبنای این بررسی، تحقیق پرسشنامه ای جامعی در میان دانش آموزان سالهای هشتم و نهم مقطع راهنمایی و همچنین دانش آموزان سالهای اول، دوم و سوم دبیرستان است. در بین دانش آموزان سالهای فوق الذکر در سراسر کشور تعدادی به حکم قرعه انتخاب شدند. واحدهای منتخب عبارت بودند از کلاسهای در مدارس راهنمایی و رشته های متوسطه در دبیرستانهای مختلف. هر کلاس منتخب دسته ای پرسشنامه دریافت نمود که دانش آموزان به سئوالات آن در ساعت درس پاسخ دادند. پاسخ به پرسشنامه بصورت ناشناس انجام شد. از مجموع ۶۷۲ کلاس منتخب از ۶۰۶ کلاس پاسخ دریافت شد. با احتساب دانش آموزان کلاسهای که در این تحقیق شرکت نکرده اند، درصد نهائی پاسخ به پرسشنامه در سطح فردی مجموعاً ۷۶/۲ درصد بوده است. درصد نهائی پاسخ در سطح فردی در کلاسهای که در این تحقیق شرکت کرده اند به میزان ۸۲ درصد بوده است. مواد نهائی این بررسی از پرسشنامه های دریافت شده از سوی جمعاً ۱۰۶۰۰ دانش آموز تشکیل شده است.

تعداد پرسشنامه های بدون پاسخ در مقطع دبیرستان کمی بیشتر از دوره راهنمایی و در درجه نخست در دوره های حرفه ای، رشته های فردی و رشته های ویژه بوده است که تعداد کل آنها در سطح فردی بالغ بر ۳۱/۶ درصد بوده است. این امر می تواند تا حدی باعث دست کم گرفتن آمار جوانانی شود که دارای برداشتهای بی تحمل هستند.

مقیاسی بر برداشتهای بی تحمل، در معرض اذیت و آزار بودن و شرکت در این قبیل اعمال

#### MÅTT PÅ INTOLERANTA ATTITYDER, UTSATTHET OCH DELAKTIGHET

نقطه حرکت برای سعی در سنجش تمایلات ضدیهودی، واهمه از اسلام، واهمه از همجنسگرایی و تمایلات مهاجرستیزانه در میان جوانان شکلهای مختلف عدم تحمل گروهی را بخود گرفته که بنظر می رسد در بسیاری موارد به شیوه های مشابهی ظهور می کنند. این شیوه ها عبارتند از ناباوری و سوءظن به تمامی یک گروه بصورت دستجمعی، اکراه شدید و فاصله گرفتن و همچنین آمادگی در اقدام یا حمایت از اقدامات تبعیض گرایانه علیه افراد متعلق به گروه یا قشر موردنظر.

در پرسشنامه تعداد نسبتاً زیادی سئوالات با پاسخهای انتخابی معینی در مورد موضع گیری نسبت به گروههای مختلف اقلیت در سوئد مطرح شده است. سئوالات در اغلب موارد بصورت جمله های اظهاری مطرح شده اند که دانش آموز با ضربدر زدن مشخص می کند که تا چه حد با آن موافق یا مخالف است. بطور مثال "مسلمانان بایستی حق داشته باشند در سوئد مسجد بسازند"، "زندگی کردن در همسایگی یک مسلمان منظم و مرتب هیچگونه اشکالی ندارد"، "تعداد مسلمانان سوئد بیش از حد زیاد است" و از این قبیل.

سئوالات مشابهی در مورد یهودیان و همجنسگرایان مطرح شد. یک ارتباط درونی آشکار بین پاسخهای سئوالات مختلف وجود دارد. با پاسخها مقیاسهایی از برداشت در مورد موضع دانش آموزان نسبت به هر یک از گروههای مربوطه تنظیم شده است. این مقیاسها شاخص های میانگین هستند که از صفر شروع شده و به ۴ ختم می شوند. ارقام بزرگتر به مفهوم موافق بودن فرد با جملات اظهاری دارای بار منفی و فاصله گرفتن وی از جملات دارای بار مثبت است.

از آنجا که بین مقیاسهای برداشت در مورد موضع در برابر مسلمانان، یهودیان و همجنسگرایان ارتباط نسبتاً محکمی وجود دارد، یک شاخص عدم تحمل بطور اعم نسبت به این گروهها نیز از طریق ادغام مقیاسهای فرعی تعیین شد. در پرسشنامه تعدادی سئوالات دیگر از جمله راجع به موضع فرد نسبت به مهاجران نیز مطرح شد که در شاخصهای دیگری آمده اند.

با توجه به ماهیت طبیعی موضوع این تحقیق برخی جملات و سئوالات پرسشنامه ممکن است تحریک آمیز تلقی شوند. این امر بمنظور ظاهر کردن عکس العمل و موضع گیری که منعکس کننده یک برداشت است ضرورت داشته است. همزمان بایستی اشاره نمود که برخی جملات دارای بار مثبت هستند، از جمله با این هدف که از تمرکز بر روی جملات دارای بار منفی در مورد گروههای مختلف خودداری شود.

علاوه بر این سئوالاتی در مورد در معرض اذیت و آزار بودن و همچنین شرکت کردن در رفتارهای ناهنجار اجتماعی مختلف در ارتباط با زمینه مربوطه نیز مطرح شده اند. تأکید این نکته حائز اهمیت است که اینگونه سئوالات برای سنجش اتفاقاتی که به تفسیر و قضاوت دانش آموز بعلت تبار، دین یا داشتن تمایلات همجنسگرایانه به زعم دیگران برای وی و قربانی رخ داده طرح شده اند، یعنی اینکه بطور مثال دانش آموز به این خاطر که دیگران تصور کرده اند که او دارای تمایلات همجنسگرایانه است مورد اذیت قرار گرفته باشد.

## نتیجه

# Resultat

اغلب دانش آموزان دارای برداشت مثبتی نسبت به گروههای مختلف اقلیت هستند

#### DE FLESTA ELEVER ÄR POSITIVT INSTÄLLDA TILL OLIKA MINORITETER

نتایج حاکی از آنست که اغلب دانش آموزان دارای برداشت مثبتی نسبت به گروههای مختلف اقلیت هستند. بطور مثال جوانان شرکت کننده در این تحقیق تمایل به موافقت با جمله هائی را دارند که در آنها عنوان شده اغلب مسلمانان (همچنین یهودیان و همجنسگرایان) مطمئناً "مردمان خوبی" هستند، و از جملات دارای بار منفی فاصله می گیرند. میانگین مقیاس عدم تحمل بطور اعم در برابر مسلمانان، یهودیان و همجنسگرایان رویهم حدود ۱ (حداکثر ۴) می باشد. ارقام مشابه در سه مقیاس فرعی تفاوت ناچیزی با این رقم دارند (از ۰/۹ در مورد همجنسگرایان تا ۱/۲ در مورد مسلمانان). درصد موضع مثبت کلی که با ارقام کوچک (کوچکتر از ۱/۵) در مقیاس ها نشان داده شده اند عبارتند از: ۶۶ درصد در مورد مسلمانان، ۶۸ درصد در مورد یهودیان و ۷۴ درصد در مورد همجنسگرایان. رقم مشابه در مقیاس مربوط به عدم تحمل بطور اعم ۷۲ درصد است. بنابراین در مجموع قریب به ۷ نفر از ۱۰ دانش آموز بگونه ای پاسخ داده اند که بیان کننده ارزشهای دارای بار مثبت است.

درصد درجه بالائی از عدم تحمل، که در مقیاسها با ارقام بالائی (بزرگتر از ۲/۵) نشان داده شده اند، در مورد مسلمانان ۸ درصد، در مورد یهودیان ۶ درصد و در مورد همجنسگرایان ۷ درصد است. درصد مشابه در مقیاس مربوط به عدم تحمل بطور اعم ۵ درصد است. در مجموع یک نفر از ۲۰ دانش آموز موضع منفی کلی ابراز کرده است. تعداد دانش آموزانی که ضدیت شدیدی را ابراز کرده اند (بزرگتر از ۳ در روی مقیاس) کمتر است و ۱/۷ درصد را تشکیل می دهد. یک گروه نیز وجود دارد که می توان آنرا تحت عنوان کم و بیش "مردد" یا ضدونقیض مشخص نمود. این گروه در زمینه عدم تحمل بطور اعم حدود ۲۴ درصد از جوانان را در بر می گیرد. این رقم برای مقیاسهای فرعی مختلف در مورد موضع نسبت به هر یک از گروه های مربوطه تقریباً مشابه است.

سنجش موضع نسبت به مهاجران و مهاجرت از طریق تعدادی جملات حاوی برداشت هائی مانند "سوئد بایستی به پذیرش پناهنده ادامه دهد" انجام شده است. درصد افرادی که شدیداً از این جمله فاصله می گیرند حدود ۱۲ درصد است. متن یک جمله دیگر چنین بود: "مهاجرانی که از کشورهای خارج از اروپا به سوئد آمده اند بایستی به کشورهای خود بازگردند." درصد افرادی که با این جمله کاملاً موافق هستند مشابه سؤال قبلی است (حدود ۱۰ درصد). همچنین حدود ۱۰ درصد از دانش آموزان پاسخ داده اند که اگر یکی از دوستانشان بر روی دیوارهای شهر شعار "مهاجرت به سوئد را متوقف کنید" را با رنگ بپاشد "کاملاً درست" یا "نسبتاً درست" است. جوانانی که موضع منفی نسبت به مهاجرت ابراز می کنند در مورد مسلمانان، یهودیان و همجنسگرایان نیز دارای برداشتی منفی هستند.

میزان عدم تحمل دختران کمتر از پسران است

#### **Flickor är mindre intoleranta än pojkar**

یک روال مشخص در تفاوت میان جنسیت در موضع نسبت به گروههای مختلف وجود دارد. دختران بطور کلی دارای موضع مثبت تری از پسران هستند. در میان پسران روال کلی آنست که بطور تخمینی قریب به ۶۰ درصد موضع کلی مثبتی را ابراز می کنند و حدود ۱۰ درصد دارای عدم تحمل شدیدی هستند. موضع کلی ۸۲ درصد دختران در مورد گروههای اقلیت مورد بحث مثبت است و ۲ درصد آنان بی تحمل هستند. تفاوتهای میان مقیاسهای مختلف برداشت در مورد گروههای اقلیت مورد بحث در میان دختران کمی بیشتر از پسران است. بزرگترین تفاوت میان دختران و پسران در دیدگاه آنان نسبت به همجنسگرایان است، که طی آن قریب به ۹ نفر از ۱۰ دختر موضع مثبتی را ابراز می کنند درحالیکه این رقم برای پسران ۶ نفر از ۱۰ پسر است.

تفاوتهای سنی اندک هستند

#### **Ålderskillnaderna är små**

یک روند بخصوص وجود دارد مبنی بر اینکه دانش آموزان مسن تر دارای موضع مثبت تری در مقایسه با دانش آموزان جوانتر هستند. از نقطه نظر عدم تحمل بطور اعم رقم مربوط به موضع کلی مثبت در کلاس هشتم راهنمایی کمترین (۶۸ درصد) و در کلاس سوم دبیرستان بیشترین (۷۸ درصد) است.

تفاوتها در موضع برحسب رشته های تحصیلی

#### **Skillnader i inställning efter skolprogram**

رقم دانش آموزان دبیرستانی که دارای موضع عدم تحمل در برابر مسلمانان، یهودیان و همجنسگرایان هستند در میان دانش آموزان در همه رشته ها بغیر از رشته های آمادگی برای تحصیلات عالی بیشترین است و این روال بویژه در میان پسران بارز است. دانش آموزانی که دارای بیشترین موضع مثبت هستند در بین دختران دبیرستانی یافت می شوند که در رشته های آمادگی برای تحصیلات عالی درس می خوانند. رقم دخترانی که در اینگونه رشته ها تحصیل می کنند و دارای عدم تحمل بطور اعم نسبت به گروههای اقلیت هستند معادل ۰/۱ درصد است که می توان آنرا با رقم ۱۱ درصد عدم تحمل بطور اعم در میان پسرانی که در سایر رشته ها تحصیل می کنند مقایسه نمود.

کشور زادگاه و تعلق دینی تا حدی تأثیر دارد

#### **Ursprungsland och religionstillhörighet har viss betydelse**

دانش آموزانی که به اصطلاح دارای تبار کاملاً سوئدی هستند (دانش آموزانی که در سوئد متولد شده و دارای والدین متولد سوئد هستند) تا حدی بیشتر از دانش آموزان دارای تبار مهاجرت (دانش آموزان متولد خارج از کشور با والدین متولد خارج از کشور) تمایل به موضع عدم تحمل نسبت به مسلمانان هستند. ۹ درصد از گروه اول بعنوان "بی تحمل" (بیشتر از ۲/۵ بر روی شاخص) طبقه بندی می شوند که می توان آنرا با ۱/۵ درصد در مورد گروه دوم مقایسه نمود. در مورد موضع نسبت به همجنسگرایان شرایط برعکس است و دانش آموزان دارای تبار مهاجرت اغلب موضع محافظه کارانه ای اختیار می کنند. حدود ۱۲ درصد را می توان بعنوان بی تحمل طبقه بندی نمود و آنرا با حدود ۶ درصد در میان دانش آموزان دارای تبار کاملاً سوئدی مقایسه کرد. در مورد موضع نسبت به یهودیان در میان دانش آموزان دارای تبار مهاجرت و دانش آموزان دارای تبار کاملاً سوئدی تفاوتی وجود ندارد (حدود ۶ درصد دارای عدم تحمل هستند).

گروه کوچکی (۱/۷ درصد کل دانش آموزان) که دارای عدم تحمل شدیدی (بیشتر از ۳ بر روی مقیاس) در برابر مسلمانان، یهودیان و همجنسگرایان هستند منحصراً از دانش آموزان متولد سوئد تشکیل می شود (۹۹/۵ درصد).

گروه بزرگی از دانش آموزان که دارای هیچگونه تعلق مذهبی نبوده اند (حدود ۴۰ درصد از کل دانش آموزان) نسبت به سایر دانش آموزان تمایل بیشتری در ابراز عدم تحمل بطور اعم نسبت به گروههای مختلف اقلیت دارند (حدود ۷ درصد بی تحمل هستند در مقایسه ۵ درصد برای کل دانش آموزان). در مورد موضع نسبت به یهودیان مشخصاً درجه عدم تحمل در گروهی که هیچگونه تعلق مذهبی برای خود اظهار نکرده اند تقریباً در سطح گروهی از دانش آموزان است که خود را مسلمان اعلام کرده اند (حدود ۸ درصد بی تحمل هستند).

اشاعه تبلیغات افراطی در میان افراد بی تحمل عادی تر است

#### **Spridning av extremistisk propaganda vanligare bland de intoleranta**

حدود ۷ درصد از دانش آموزان اظهار کرده اند که به مطالب تبلیغاتی از سوی برخی سازمانهای ایدئولوژیکی نژادی و ملی گرای افراطی برخورد کرده اند. در این زمینه جبهه سوسیالیستی ملی (Nationalistisk Front) متداول ترین سازمان بوده است. حدود ۳۰ درصد از دانش آموزانی که بعنوان بی تحمل در برابر گروههای اقلیت مورد بحث تلقی می شوند اظهار کرده اند که با یکی از این سازمانها در تماس قرار گرفته اند که می توان این رقم را با ۶ درصد در میان دانش آموزان دارای برداشت مثبت مقایسه نمود. از سال ۱۹۹۷ به اینطرف تعداد صفحات نژادپرستانه در اینترنت شدت افزایش یافته است. در این تحقیق ۷ درصد از دانش آموزان اظهار کرده اند که از یک صفحه نژادپرستانه یا ضدمهاجر را در اینترنت دیدن کرده اند. در میان دانش آموزانی که برداشت مثبتی نسبت به گروههای اقلیت مورد بحث دارند حدود ۲ درصد و در بین دانش آموزان بی تحمل ۳۸ درصد به اینکار مبادرت کرده اند.

نهضت ایندولوژیکی نژادی جوانان اغلب پیام خود را در قالب موزیک ارائه می کند. ۱۵ درصد از دانش آموزان اظهار کرده اند که حداقل یکبار به موزیک موسوم به "موزیک قدرت سفید" گوش کرده اند. مقایسه ای با تحقیق قبلی نشان می دهد که این رقم در میان برخی گروهها تاحدی افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۷ حدود ۱۹ درصد پسران دانش آموز در رشته های عملی اظهار کرده بودند که حداقل یکبار به این نوع موزیک گوش کرده بودند در حالیکه در تحقیق کنونی حدود ۲۵ درصد از پسران دانش آموز رشته های حرفه ای به اینکار مبادرت کرده اند.

درصد افرادی که بهیچوجه مطمئن نیستند که انهدام یهودیان بوقوع پیوسته کمی کاهش یافته است

#### ANDELEN INTE ALLS SÄKRA PÅ ATT FÖRINTELSEN ÄGT RUM HAR MINSKAT NÅGOT

در تحقیق قبلی در سال ۱۹۹۷ سئوالی بمنظور سنجش اطمینان دانش آموزان از وقوع انهدام یهودیان (Förintelsen) مطرح شده بود. سئوالی که مطرح شد به این شرح بود: منظور از "انهدام یهودیان" معمولاً قتل حدود شش میلیون نفر یهودی بدست نازیها طی جنگ دوم جهانی است. شما تا چه حد مطمئن هستید که "انهدام یهودیان" بوقوع پیوسته است؟

این سئوال در درجه نخست بخاطر ذکر شمار یهودیان قربانی این واقعه، مورد انتقاد قرار گرفت زیرا بنظر می رسد که رقم بخودی خود می توانست باعث تردید شود. از اینرو طی یک تحقیق پیشتاز در آستانه تحقیق کنونی سه سئوال به گونه های مختلف مطرح شد که در آنها تعداد قربانیان در متن سئوال حذف گردید. این سئوال در مقابل سئوال قبلی مورد آزمایش قرار گرفتند و نتیجه نشان داد که تفاوت چندانی بین پاسخهای داده شده به سئوالهای مختلف وجود ندارد.

از اینرو سئوال قبلی در تحقیق کنونی نیز مطرح گردید. علیرغم اینکه برخی مشکلات در امر مقایسه وجود دارد نتایج حاصله دو روند را نشان می دهند. یکی از روندها آنست که تعداد افراد "کاملاً مطمئن" در مقایسه با تحقیق انجام شده در سال ۱۹۹۷ تا حدی کاهش یافته است. در تحقیق کنونی ۶۷ درصد اظهار کرده اند که کاملاً مطمئن هستند که می توان آنرا با ۷۱ درصد طی تحقیق سال ۱۹۹۷ مقایسه نمود. روند دیگر آنست که درصد "بهیچوجه مطمئن" عبارات دیگر آنانکه بیشتر از سایرین نامطمئن هستند، کاهش یافته است. درصد آنانکه بهیچوجه مطمئن نبودند در تحقیق سال ۱۹۹۷ بمیزان ۴/۱ درصد بوده که این رقم در تحقیق کنونی درصد است. در مجموع چارچوب توزیع پاسخها در هر دو تحقیق مشابه بوده است (به ترتیب حدود ۸۵ درصد و ۸۳ درصد پاسخ داده اند که کاملاً یا تقریباً مطمئن هستند).

در هر دو تحقیقات از دانش آموزان خواسته شد که نسبت به جمله "از نازیسم و انهدام یهودیان بیش از حد صحبت می شود" اظهار نظر کنند. روند پاسخها به اینگونه است که درصد دانش آموزان موافق با این جمله افزایش و همزمان درصد مخالفان کاهش یافته است. نتایج هر دو تحقیقات نشان می دهند که دانش آموزان نامطمئن به وقوع انهدام یهودیان عمدتاً عقیده دارند که در مورد نازیسم و انهدام یهودیان بیش از حد صحبت می شود.

#### ۴۰ درصد دانش آموزان متولد خارج از کشور یک مرتبه بخاطر تبار خود مورد اذیت قرار گرفته اند

#### 40 PROCENT AV UTLANDSFÖDDA ELEVER NÅGON GÅNG RETADE PÅ GRUND AV SITT URSPRUNG

توهمهای لفظی متداولترین شکل در معرض اذیت و آزار بودن است. حدود ۱۴ درصد از دانش آموزان اظهار کرده اند که طی دوازده ماه گذشته حداقل یکبار بخاطر تبار سوئدی یا خارجی خود مورد اذیت قرار گرفته اند. درصد دانش آموزانی که مورد تهدید قرار گرفته اند ۶ درصد است. درصد دانش آموزانی که بخاطر تبار خود مورد ضرب و جرح قرار گرفته اند ۲/۶ درصد است. علاوه بر این سئوال شد که آیا دانش آموزی بخاطر دین خود دچار حوادث مختلفی شده است یا خیر. مجموعاً حدود ۴ درصد اظهار کرده اند که مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند، ۱/۷ درصد ترد شده، ۰/۹ درصد مورد تهدید قرار گرفته و ۰/۵ درصد طبق اطلاع بخاطر دین خود کتک خورده اند.

یک روال بارز در زمینه انواع مختلف در معرض اذیت و آزار بودن آنست که این امر در میان دانش آموزان متولد خارج با والدین متولد خارج از کشور بیشتر از جوانانی که دارای تبار کاملاً سوئدی هستند رخ می دهد. بطور مثال حدود ۴۰ درصد دانش آموزان مهاجرتبار اظهار کرده اند که یکبار بخاطر تبار خود مورد اذیت قرار گرفته اند در حالیکه این رقم برای جوانان دارای تبار کاملاً سوئدی ۹ درصد بوده است. ۳۱ درصد از دانش آموزان مهاجرتبار اظهار کرده اند که کسی آنها را "کله سیاه/ترک/غربتی لعنتی" jävla svartskalle/turk/blatte " خطاب کرده در حالیکه ۱۴ درصد دانش آموزان دارای تبار کاملاً سوئدی "سوئدی/ سوئدی هالوی لعنتی" svenskjävvel/ jävla svenne " خطاب شده اند. همچنین احساس مورد بیعدالتی قرار گرفتن از سوی یک فرد (بطور مثال یک کارمند دولت) در میان دانش آموزان مهاجرتبار عادی تر (۴۶ درصد) از دانش آموزان دارای تبار کاملاً سوئدی است (۹ درصد). قریب به ۶ درصد از دانش آموزان مهاجرتبار اظهار کرده اند که بخاطر تبار خود طی سال اخیر کتک خورده اند و ۱۵ درصد مورد تهدید قرار گرفته اند.

دانش آموزانی که مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند در مقایسه با دانش آموزانی که در معرض اینگونه رفتارها واقع نشده اند در بیشتر موارد اظهار کرده اند که آنان در این اواخر اغلب دچار احساسات منفی بوده اند (خود را "افسرده و پژمرده"، عصبانی و نگران احساس کرده یا ناراحتی خواب داشته اند).

سئوالهای مربوط به اینکه آیا دانش آموزان بخاطر داشتن تمایلات همجنسگرایانه به زعم دیگران در معرض اعمال مختلف قرار گرفته اند یا خیر فقط برای دانش آموزان دبیرستانی مطرح شد. در میان این دانش آموزان جمعاً ۲/۱ درصد اظهار کرده اند که بخاطر داشتن تمایلات همجنسگرایانه به زعم دیگران مورد اعمال مختلف واقع شده اند. عادی ترین این اعمال اذیت بوده (۱/۹ درصد) در حالیکه مورد تهدید قرار گرفتن (۰/۲ درصد) یا کتک خوردن (۰/۳ درصد) آنچنان عادی نبوده است.

## ۱/۵ درصد اظهار کرده اند که فردی را بخاطر تبارخارجی وی کتک زده اند

### 1,5 PROCENT ANGER ATT MAN SLAGIT NÅGON PÅ GRUND AV DENNES UTLÄNDSKA URSPRUNG

در پرسشنامه سنوالاتی در مورد شرکت داشتن در انواع مختلف رفتارهای ضداجتماعی بطور کلی و همچنین سنوالاتی در مورد رفتارهایی که به گونه ای با تبار قربانی ارتباط داشته مطرح شد. در مورد بطور کلی شرکت در اینگونه رفتارها حدود ۳۳ درصد از دانش آموزان اظهار کرده اند یکبار طی دوازده ماه گذشته فردی را طوری اذیت کرده اند که باعث "عصبانیت یا ناراحتی" وی شده است. حدود ۳۰ درصد اظهار کرده اند که یا کسی را تهدید کرده اند، که به تشخیص خود دانش آموز، در او ترس ایجاد کرده یا کسی را طوری کتک زده اند که دردمش گرفته است.

حدود ۸ درصد اظهار کرده اند که طی دوازده ماه گذشته کسی را "بخاطر تبارخارجی وی" اذیت کرده اند. این رقم در مورد تهدید کردن ۱/۷ درصد بوده و ۱/۵ درصد اظهار کرده اند که کسی را بخاطر تبار خارجی وی کتک زده اند.

در مورد انگیزه آزار و اذیت بخاطر تبار سوئدی، ۲/۶ درصد اظهار کرده اند که فردی را اذیت کرده اند در حالیکه ۰/۷ درصد تهدید کرده و ۰/۶ درصد می گویند که فردی را بخاطر سوئدی تبار بودنش کتک زده اند.

در زمینه دین حدود ۴ درصد اظهار کرده اند که فردی را بخاطر دین وی اذیت کرده اند در حالیکه این رقم برای تهدید کردن (۰/۸ درصد) و برای کتک زدن (۰/۶) کمتر بوده است. روال مشابهی در مورد اینکه آیا فردی را بخاطر تمایلات همجنسگرایانه اش مورد اعمالی قرار داده اند، وجود دارد: حدود ۵ درصد اظهار کرده اند که اذیت کرده اند در حالیکه ۱/۳ درصد تهدید کرده و ۰/۸ درصد طبق اظهار خود، فردی را به دلیل یادشده کتک زده اند.

علاوه بر این سؤال شد که آیا کسی را "بخاطر تبارخارجی، دین یا رنگ پوست وی" مورد اعمالی از قبیل ترد کردن، دروغ پراکنی در مورد وی، بدگویی، براه انداختن دعوای جزئی، هل دادن یا اعمال دیگری قرار داده اید یا خیر. جمعاً ۱۳ درصد اظهار کرده اند که به یکی از این اعمال طی دوازده ماه گذشته مبادرت کرده اند. عادی ترین عمل "بدگویی" در مورد یک فرد (حدود ۱۰ درصد) و "براه انداختن دعوای جزئی" (۵ درصد) بوده است.

## ارتباط مشخص میان عدم تحمل و شرکت در رفتارهای ضداجتماعی

### TYDLIGA SAMBAND MELLAN INTOLERANS OCH DELAKTIGHET I ANTISOCIALT BETEENDE

در این تحقیق ارتباط شدیدی بین میزان عدم تحمل بطور اعم در برابر مسلمانان، یهودیان و همجنسگرایان، و شرکت در انواع مختلف رفتارهای ضداجتماعی علیه یک فرد بخاطر تبارخارجی، دین یا تمایلات همجنسگرایانه وی چشم می خورد. همین روال در شاخصهای مربوط به برداشتهای خارجی ستیزانه نیز وجود دارد. هرچه میزان عدم تحمل بیشتر باشد اذیت، تهدید یا کتک زدن فرد عادی تر است.

این روال در مورد اینگونه رفتارها بطور کلی و همچنین در مورد شرکت در اعمالی از قبیل جرائم مربوط به دزدی و سرقت صدق می کند. البته شدیدترین ارتباط در رفتارهایی وجود دارد که انگیزه آنها طبق گفته دانش آموز، از جهات مختلف به تبار قربانی ارتباط داشته است. این ارتباط هم در میان پسران و هم در میان دختران وجود دارد.

در میان دانش آموزانی که نسبت به یهودیان، مسلمانان و همجنسگرایان مثبت ترین موضع را دارند بسیار غیر عادی است که اظهار کرده باشند کسی را بخاطر تبار یا دین وی تهدید کرده یا کتک زده باشند (۰/۱ درصد)، در حالیکه این امر در میان گروه کوچکی که بیشترین عدم تحمل را دارند بمراتب عادی تر است (۳۶/۸ درصد). چنانچه تمایلات همجنسگرایانه فرضی قربانی به انگیزه ها افزوده شود، بهمره تبارخارجی یا دین درصدهای مشابه از این قرار خواهند بود: ۰/۳ درصد از آنان که دارای مثبت ترین موضع هستند اظهار کرده اند که یکبار فردی را تهدید کرده یا کتک زده اند در مقایسه با ۴۱/۲ درصد دانش آموزانی که دارای بیشترین عدم تحمل هستند. بر اساس یک تخمین تقریبی ۱۲ درصد دانش آموزانی که دارای بالاترین رقم در مقیاس مربوط به عدم تحمل بطور اعم هستند عامل قریب به سه چهارم مجموع وقایع خشونت آمیز و تهدید هائی هستند که اظهار می شود با تبارخارجی، دین یا تمایلات جنسی قربانی ارتباط داشته است.

## عدم تحمل از جمله به عدم موفقیت در تحصیل بستگی دارد

### INTOLERANS ÄR FÖRKNIPPAT MED BLAND ANNAT SKOLMISSLYCKANDEN

یک نظریه فرضی مقدماتی در این تحقیق آن بود که درصدهای میزان عدم تحمل در میان افراد جوان شانس و تصادفی نیستند. نتایج تحقیق گواه این نظریه فرضی هستند. بین جوانانی که عدم تحمل آنها اندک است و آنانکه دارای عدم تحمل شدید هستند، تفاوتی سیستماتیک در چندین زمینه مختلف وجود دارد.

عدم تحمل شدید تا حدی به موارد زیر بستگی دارد:

- تحصیلات کم و طبقه اجتماعی پایین والدین
- برخی عوامل فردی و عاطفی مانند بیقراری، حالتیهای تهجمی و کمبود درک و احساس برای همونوع (به استثناء ناراحتیهای عصبی)
- نتایج منفی تحصیلی و عدم سازگاری دانش آموز با مدرسه
- برخی انواع مشکلات خانوادگی مانند کم اطلاعی والدین از عادات معاشرتی نوجوان
- معیارهای کلیشه ای در مورد جنسیت (موضع مردسالاری)
- احساس ترد شدگی اجتماعی
- معاشرت شبانه دائم با دوستان، اغلب بصورت گروهی، و همچنین معاشرت بیش از حد معمول با دوستانی که چندسالی از نوجوان بزرگتر باشند

نوشیدن مشروبات الکلی و خوشگذرانی در میان افراد بی تحمل تاحذریادی در مقایسه کلی با سایر جوانان وجود دارد. میان عدم تحمل و چگونگی درک جوان از موضع دوستان خود نسبت به مهاجرتیزی ارتباط شدیدی وجود دارد. ارتباط میان گوش کردن به موزیک "قدرت سفید" و ابراز مواضع عدم تحمل نیز شدید است. همین امر در مورد داشتن تمایل به برخی احزاب ملی افراطی نیز صدق می کند. نتایج در این زمینه برای پسران و دختران و همچنین دانش آموزان دبیرستان و راهنمایی صدق می کنند.

نتایج حاصله نسبتاً خوبی با تصویری که مطالعات انجام شده در مورد جوانان بی تحمل و خارجی سنیز ترسیم کرده که در آنها از روشهای دیگری برای شرایط و مشخصات اینگونه افراد استفاده شده است، مطابقت دارند. سایر مطالعات این نظریه را نیز رد نمی کنند که وضعیتهائی وجود دارند که طی آن عدم موفقیت تحصیلی یکی از نقش های اساسی را بعنوان بخشی از روند گرایش نوجوان به عقاید ملی افراطی و خارجی سنیزی ایفا می کند. برای برخی از جوانان که تحصیل برایشان دشوار است یا دارای سایر مشکلات هستند، یکی از راههای کسب وجهه و هویت آنست که شکل و شمایل و عقاید گروههای خارجی سنیز را برای خود انتخاب کنند. این امر نفی کننده این مطلب نیست که فرهنگ نژادپرستانه جوانان به دلایل مختلف دارای جاذبه شدیدی برای سایر جوانانی که اینگونه مشکلات را ندارد و آنها را به سوی خود جذب می کند.

#### **عوامل گرایش به عدم تحمل مشابه گرایش به بز هکاری هستند**

#### **RISKFaktorerna för Intolerans samma som för Kriminalitet**

در مطالعه کنونی مشخص شده که از چندین عامل مرتبط با عدم تحمل شدید اغلب در سایر موارد بعنوان عوامل گرایش به رفتارهای بز هکارانه در کتابهای جرم شناسی یاد شده است. نتایج حاکی از آن هستند که حتی اگر موفق شویم تعداد جوانان شدیداً بی تحمل را نیز کاهش دهیم احتمالاً این امر بطور کلی تأثیر بسیار محدودی بر شرکت جوانان در رفتارهای بز هکارانه و ناهنجار اجتماعی خواهد داشت. بطور کلی بز هکاری جوانان پدیده گسترده تر و فراگیرتری است و نمی توان آنرا فقط به جوانان دارای عقاید خارجی سنیزانه و عدم تحمل شدید محدود نمود، حتی اگر با توجه به نتایج حاصله از تحقیق فعالیت بز هکارانه این گروه در مجموع نسبت به سایر جوانان بیشتر است.

#### **تأثیر بر برداشتها اهمیت دارد**

#### **ATTITYDPÅVERKAN VIKTIG**

نوع بز هکاری که در اینجا مورد بحث است و معمولاً بعنوان بخشی از بز هکاری تنفر بشمار می رود بنوبه خود یک مشکل جدی اجتماعی است. درکنار مجموعه ای از سایر اقدامات - بطورمثال از سوی ادارات مبارزه با بز هکاری - اقدامات جهت تأثیر بر برداشتها زمینه مهمی در مبارزه با اینگونه بز هکاری است. کاهش جذب جوانان به گروههای دارای برداشتهای عدم تحمل شدید اهمیت ویژه ای دارد. ولی نتایج تحقیق همزمان نشان می دهند که خصوصیات و شرایط مشترک و متمایز کننده بخش اعظم اینگونه جوانان نیز عواملی هستند که تغییر برداشت را بخودی خود دشوار می کند. احتمالاً سعی در سوق دادن جوانانی که در مرز نامشخص بین تحمل و عدم تحمل بسر می برند، بسوی موضعی با تحمل بیشتر آسانتر است.